



وزیر خارجه آمریکا در آتن چه گفت و چه اهدافی داشت؟

تحریف تاریخ و تطهیر جنایت پای آکروپولیس



سرمقاله

جوامع پذیرفته شود. با این حال، سخنان روبیو نکته مهم دیگری را نیز آشکار می‌کند، اینکه مسئله آمریکا با ایران، صرفاً به جمهوری اسلامی و یا برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران محدود نیست. اگر مشکل غرب با ایران تنها جمهوری اسلامی بود، چه نیازی به احضار جنگ‌های باستانی و قرار دادن ایران در برابر تمدن غرب وجود داشت؟ همین موضوع نشان می‌دهد که ایران در نگاه آمریکایی‌ها، نماینده یک هویت تاریخی و تمدنی مستقل است که باید از بین برود و یا حداقل مهار شود. مشخصاً روبیو می‌خواهد با تحریف گزینشی تاریخ، جنگ کشور تروریست خود علیه ایران را دفاع از تمدن وحشی غرب معرفی کند و متحدان اروپایی را برای همراهی بیشتر با آمریکا در جهت اقدامات بیشتر علیه کشورمان، تحت فشار بگذارد. همین واقعیت نشان می‌دهد که دفاع مقدس مردم زیر بیرق نظام اسلامی از ایران، صرفاً دفاع از یک ساختار سیاسی نیست، بلکه دفاع از حق یک ملت برای حفظ هویت، استقلال و میراث تمدنی خود در برابر قلدرهایی است که به چیزی جز نابودی ایران فکر نمی‌کنند.

این اتهام‌زنی حقیقتاً وقاحت خاصی را می‌طلبد که فقط از عهده آمریکایی‌های جنایتکار برمی‌آید. چند روز پیش از این نیز بیت هگست، وزیر جنگ آمریکا، خطاب به نظامیان این کشور گفته بود: «مرگبار بودن، کارت ویزیت ماست.» حال چه کسی فرقه مرگ است؟ برای یافتن پاسخ، کافی است آغاز جنگ جنایتکارانه جاری علیه ایران را به یاد بیاوریم که با حمله تروریسم دولتی آمریکا به مدرسه شجره طیبه میناب و شهادت بیش از ۱۲۸ کودک بی‌گناه ایرانی کلید زده شد. صحبت از از تمدن و ارزش زندگی، برای فرقه اپستین قбай گشادی است. آمریکا در کارنامه تاریخی خود، از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی تا جنگ ویتنام و کشتار غیرنظامیان در جنگ‌های متعدد در غرب آسیا، با واقعیت‌های سنگینی روبه‌روست. این کشور نخستین و تنها کشوری است که تاکنون از بمب اتمی در جنگ استفاده کرده است. با چنین سابقه‌ای، سخن گفتن از برتری تمدنی و معرفی خود به عنوان نگهبان ارزش‌های بشری، مرغ پخته را به خنده وامی‌دارد، چه رسد به آنکه از سوی

حکومت‌های آن زمان نیست، اما مسئله این است که روبیو با حذف زمینه‌های تاریخی، ایرانیان را نماد توحش و یونانی‌ها را به نمایندگی از غرب، تمدن‌ویژه معرفی می‌کند. اگر آتش‌زدن معابد آتن نشانه بربریت ایرانیان است، به آتش کشیدن ایران و تخت جمشید به دست سپاهیان اسکندر مقدونی را چگونه باید ارزیابی کرد؟ فارغ از اینها، وزیر امور خارجه تروریست آمریکا می‌خواهد با برجسته کردن تحریف شده بخشی از گذشته، برای جنگ امروز آمریکا علیه ایران مشروعیت تمدنی بتراشد. وقاحت این روایت زمانی آشکارتر می‌شود که ایران «فرقه مرگ» خطاب می‌شود. آن هم از سوی مقام دولتی که کوشورش با حمایت نظامی و سیاسی از رژیم صهیونی، شریک جرم نسل‌کشی مردم فلسطین در غزه است. کشوری که در برابر ویرانی غزه و قتل عام هزاران غیرنظامی، از حمله کودکان، همچنان به پشتیبانی از صهیونیست‌ها ادامه می‌دهد، چگونه می‌توان مردم مظلوم و آزادی‌خواه ایران را فرقه مرگ بخواند؟

مارکوروبیو، وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی لفظانه‌اش در کنار بنای تاریخی آکروپولیس در آتن، کوشید تمدن غرب را میراثی برتر معرفی کند که آمریکا وارث و پاسدار آن است و دیگر کشورهای غربی نیز باید برای حفظ آن در کنار واشنگتن بایستند. روبیو با قرار دادن ایران در سوی مقابل این تمدن، عملاً تلاش کرد جنگ جاری آمریکا علیه کشورمان را از یک رویارویی نظامی به نبردی تمدنی تبدیل کند. روایتی که می‌تواند هم توجیهی برای ادامه جنگ باشد و هم ابزاری برای افزایش فشار بر متحدان اروپایی جهت همراهی با واشنگتن علیه تهران. اما این روایت مغرضانه، بر خوانشی گزینشی و تحریف شده از تاریخ استوار است. روبیو از آتش‌گرفتگی آتن و ویرانی آکروپولیس به دست ایرانیان می‌گوید، اما به زمینه تاریخی این رویارویی اشاره‌ای نمی‌کند. در سال ۴۹۸ پیش از میلاد، آتنی‌ها به معبد سارد، یکی از مراکز مهم قلمرو امپراتوری آن زمان ایران، حمله کردند و آن را به آتش کشیدند و همین واقعه یکی از زمینه‌های تقابل بعدی ایران و دولت‌شهرهای یونانی بود. مشخصاً اشاره به این سابقه به معنای تأیید اقدامات

قاب

تصاویری از شلیک شاهد ۱۳۶ و ۲۳۸ به سمت مواضع دشمن آمریکایی

تصاویر جدیدی از عملیات آفندی علیه مواضع ارتش تروریستی آمریکا در عملیات‌های نصر ۱ و ۲ و تنبیه متجاوز منتشر شد. این تصاویر که برای اولین بار منتشر شده، شلیک و هدف قرار گرفتن مواضع آمریکا با پهپادهای شاهد ۱۳۶ و ۲۳۸ را نشان می‌دهد.



دشمن شناسی

آمریکا با ایران مخالف است

«[دشمنان] احساس میکنند کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمیتوانند تحمل کنند؛ این‌را احساس میکنند، می‌بینند... حرکت به سمت پیشرفت را می‌بینند که شتاب گرفته در کشور؛ این واقعیتی است... این را آنها هم احساس میکنند. آنها نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد... این [کارها] نشان‌دهنده‌ی باطن دشمنان ما است. آن دشمنی که در اظهارات دیپلماسی میگوید ما قصدتها جم‌به ایران را نداریم، ما قصد تغییر نظام جمهوری اسلامی را نداریم، ما با شما دشمنی نداریم و با ملت ایران موافقیم، باطنش این [چیزی] است که مشاهده میکنید؛ باطنش توطئه است، باطنش ایجاد اغتشاش است، باطنش نابود کردن امنیت کشور است، باطنش تحریک هیجان‌کسانی است که با یک هیجانی ممکن است تحریک بشوند و بیایند وسط خیابان؛ باطنش این است. آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است. همه‌ی بحث آنها، همه‌ی دعوای آنها سر جمهوری اسلامی نیست؛ البته با جمهوری اسلامی بشدت و عمیقاً دشمنند، در این شکی نیست، اما بدون جمهوری اسلامی هم با ایرانی که قوی باشد مخالفند، با ایرانی که مستقل باشد مخالفند. آنها ایران دوران پهلوی را دوست دارند؛ گاو شیرده و مطیع اوامر آنها که شاه مملکت برای یک تصمیم، ناچار بشود سفیر انگلیس یا سفیر آمریکا را بخواهد و از او کسب تکلیف بکند! این ننگ را ملت ایران چگونه میتواند تحمل بکند؟ آنها این را میخواهند؛ با ایران مخالفند.» ۱۴۰۱/۷/۱۱

#اعتراف مرکز پژوهشی پپو

جنگ ایران و کابوس سیاسی ترامپ

نارضایتی از جنگ شکست‌خورده آمریکا علیه ایران در آمریکا روبه‌افزایش است؛ جنگی که حالا هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن برای دولت دونالد ترامپ سنگین تر می‌شود. افزایش قیمت سوخت، نگرانی از تلفات نظامیان آمریکایی و طولانی شدن درگیری، فشار بر رئیس‌جمهور آمریکا را تشدید کرده است. براساس نظرسنجی تازه مرکز پژوهشی پپو، ۶۵ درصد آمریکایی‌ها با نحوه مدیریت ترامپ در قبال اقدام نظامی علیه ایران مخالف هستند و فقط ۳۳ درصد از عملکرد او حمایت می‌کنند. این در حالی است که در ماه مارس، میزان مخالفت ۶۱ درصد بود. از سوی دیگر، ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان انتظار دارند درگیری بیش از یک سال دیگر ادامه یابد؛ نشانه‌ای از اینکه جامعه آمریکا دیگر به پایان سریع این کارزار خوش بین نیست. اما مسئله فقط مخالفت افکار عمومی نیست. وقتی ۷۳ درصد آمریکایی‌ها به شدت نگران افزایش قیمت سوخت و ۷۱ درصد نگران کشته‌یازخمی شدن نظامیان خود هستند، جنگ از یک تصمیم سیاست خارجی به مسئله‌ای روزمره و انتخاباتی تبدیل می‌شود. افزایش قیمت بنزین می‌تواند نارضایتی را مستقیماً به پای دولت و جمهوری‌خواهان کنگره بنویسد. ترامپ ممکن است همچنان بر ادامه فشار نظامی و محاصره دریایی ایران اصرار کند، اما اعزام نیرو و ناوهای بیشتر لزوماً نشانه پیشرفت نیست؛ بلکه نشانه دشوارتر شدن خروج از باتلاق است. اگر این روند ادامه یابد، هزینه جنگ می‌تواند در انتخابات میان‌دوره‌ای به تضعیف جمهوری‌خواهان و محدود شدن قدرت سیاسی ترامپ منجر شود.